کلاسیک همچنان در حاکمیت بودند، دستخوش تغییرات و تحولاتی شد.

ظهور شعر نو

جریانی که پس از مشروطیت در شعر فارسی به وجود آمد و کمابیش ویژگی های خاص خود را داشت، دورهٔ حکومت رضاخان و محمدرضا پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. در این دوره علاوه بر آن که نوآوری های جسته و گریختهٔ شاعران عصر مشروطیت در حال یافتن قوام و دوام بود و برخی شاخه های دیگر شعری مانند ادبیات کارگری و رمانتیسم نیز به شکلی از ثبات ادبی دست یافته بودند، یک اتفاق مهم افتاد که آن هم ظهور نیما یوشیج و تولد شعر نو بود. نیما در سال ۱۳۰۱ منظومهٔ «افسانه» را سرود و به عنوان شاعری که در فضاهای شعر فارسی تحولی به وجود آورده است، مطرح شد. او در سال ۱۳۱۶ با انتشار «ققنوس» برای نخستین بار شعری سرود که به معنای واقعی کلمه و از تمام جهات «شعر نو» بود. در این دوره، شاعران دورهٔ مشروطیت که سال های پایانی عمر خود را می گذراندند، همچنان به سرودن در حال و هواهای خود مشغول بودند و شاعران دیگری همچون پروین اعتصامی به این گروه گرویدند. همان طور که پیش تر اشاره شد، ادبیات کارگری هم با شعرهای لاهوتی و فرخی یزدی قوت گرفت و شاخصه های رمانتیسم ایرانی نیز در شعرهای شاعرانی همچون گلچین گیلانی، شهریار، فریدون توللی، حمیدی شیرازی و ... چشم گیر شد. البته در همین دوره نیما یوشیج که در ابتدا شاعری رمانتیک به شمار می آمد، در شعرهای تازهٔ خود سمبولیسم اجتماعی را به کار برد و به نظر برخی پژوهشگران، به مهم ترین شاعر این دوره از تاریخ معاصر ایران تبدیل شد.



دورهٔ بعد، دوره ای است که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز می شود و تا سال ۱۳۵۰ تقریباً در اوج می ماند. این دورهٔ تاریخی اگر چه یکی از تاریک ترین دوره های تاریخ ایران به شمار می آید و مردم همچنان در سوگ این شکست تاریخی هستند، اما از نظر ادبی، دوره ای بسیار مهم و به عبارت بهتر، مهم ترین دورهٔ ادبیات معاصر ایران است؛ چرا که بزرگ ترین شاعران معاصر در این دوره بهترین شعرهای خود را سرودند و منتشر کردند. مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، احمد شاملو و سهراب سپهری به عنوان شاخص ترین شاعران معاصر، در همین سال های سیاه، زیباترین جلوه های خلاقیت خود را در شکل شعرهای ماندگار به مخاطبان شعر فارسی ارائه دادند. این تناقض تاریخی ادبی در دوره های دیگری از تاریخ ادبیات ایران نیز وجود داشت. سال ها پیش از آقای دکتر نقیب نقوی در کلاس درس تاریخ ادبیات، سخنی با این مضمون شنیدم که اگر چه حملهٔ وحشیانهٔ مغول ها به ایران در قرن هفتم، علاوه بر ویرانی ها و مصیبت هایی که داشت، تا قرن ها باعث ایجاد انواعی از نابهنجاری های اجتماعی در توده های مردم ایران شد، اما از دل همین وضعیت نابهنجار، سه شاعر بزرگ تاریخ ایران یعنی سعدی، مولانا و حافظ سر برآوردند.

آخرین دورهٔ شعر فارسی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، دوره ای است که از حدود سال ۱۳۵۰ یا چندی پیش تر آغاز شد و کمابیش تا یکی دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. در این دوره شاعرانی ظهور کردند که اگر چه در فرم شعر، ادامه دهندهٔ راه شاعران بزرگ شعر نو بودند، ولی در زبان و محتوای شعرهایشان دگرگونی هایی ایجاد کردند و شعرشان ویژگی هایی داشت که اکنون می توانیم آن ها را در رده ای منحصر به فرد و مشخص از شاعران قبل و بعد قرار دهیم.

شعر سنتی معاصر

نکته ای که در بررسی جریان های شعری پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نباید از آن غافل شویم، این است که در کنار جریان های شعری یادشده، یک جریان گسترده و مستمر در دورهٔ حکومت محمدرضا پهلوی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ وجود داشت که سال های سال به حیات خود ادامه داد و در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کمابیش ادامه داشت. شاعران این جریان که می توانیم آن را «شعر سنتی معاصر» بنامیم، با وجود آن که از فرم های سنتی شعر فارسی برای سرودن بهره می بردند، اما از تحولات زمانه بر کنار نبودند و هر چند بازتاب مسائل اجتماعی در شعرهایشان با فراز و فرود همراه بود، ولی در بررسی های شعر معاصر ایران نباید از یاد برند. در این دوره شاعرانی همچون شهریار، امیری فیروزکوهی، هوشنگ ابتهاج، عماد خراسانی و مهرداد اوستا در قالب های سنتی به کار سرودن مشغول بودند و مخاطبان درخور توجهی نیز داشتند.

این شاعران که بیشتر غزل سرا و قصیده سرا بودند، البته هر کدام در حال و هوایی مخصوص و مرتبه ای ویژهٔ خویش، در شکل گیری چشم اندازی از شعر فارسی در این دوره نقش داشتند.